

جمهوری اسلامی در میان انتخاب دو گزینه

دور هفتم مذاکرات اجرای برجام پس از شش ماه توقف، مجدداً در هشتم آذر ماه ۱۴۰۰ میان جمهوری اسلامی و پنج کشور آلمان، انگلیس، فرانسه، چین و روسیه موسوم به گروه ۱+۴ شروع شد. در این دور از مذاکرات احیای برجام، طرفین پس از چند روز مذاکره، بدون حصول کمترین دستاوردی راهی کشورهای خود شدند و پس از یک هفته رایزنی با مقامات بالادستی اوایل هفته گذشته برای ادامه مذاکرات به وین باز گشتند. در این دور از مذاکرات، شکاف و فاصله میان طرفین نزاع آنچنان عمیق و پر رنگ بود که طی پنج روز به رغم حضور همه هیئت های مذاکره کننده در وین، هیچ نشست مشترکی میان هیات های نمایندگی ایران و کشورهای ۱+۴ برگزار نشد. تنها اتفاقات صورت گرفته طی یک هفته گذشته فقط رایزنی علی باقری با هیئت نمایندگان چین و روسیه برای جلب موافقت این دو کشور با مطالبات جمهوری اسلامی بود که آنهم هیچ نتایج محسوسی برای ایران در بر نداشت.

علی باقری پس از دیدارهای دوجانبه با چین و روسیه، یک نشست دوجانبه هم با انریکه مورا، هماهنگ کننده اتحادیه اروپا در مذاکرات احیای برجام داشت. باقری روز جمعه ۲۶ آذر (۱۷ دسامبر) طی توییتری در مورد نتایج دیدارهای دوجانبه خود نوشت: "پس از رایزنی ها با دیگر هیات ها، بعد از ظهر روز گذشته من و انریکه مورا برای ارزیابی وضعیت و بحث در باره مسیر پیش رو دیدار کردیم. این هفته پیشرفت خوبی داشتیم. امروز کمیسیون مشترک خواهیم داشت و بعد از یک وقفه چند روزه، مذاکرات را ادامه خواهیم داد." به رغم اظهار نظر خوشبینانه علی باقری کنی از روند مذاکرات در هفته گذشته، طرف های دیگر اما روند کار را ناامید کننده اعلام کردند و نسبت به "فروپاشی برجام" هشدار دادند.

پافشاری جمهوری اسلامی بر موضوعاتی از قبیل رفع کامل تمامی تحریم ها از طرف آمریکا و اصرار بر اینکه توافقات شش دور پیشین فاقد اعتبار بوده و دور جدید مذاکرات باید بر مبنای دو سند ارائه شده از طرف تیم جدید شروع شود، ادامه روند مذاکرات در وین را برای همه طرف های درگیر بسیار سخت و پیچیده کرده است. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا پیش از این با توجه به مواضع جدید جمهوری اسلامی در مذاکرات وین گفته بود: "آنچه تا کنون دیده ایم، این است که ایران با پیش گرفتن مواضع کاملاً

در صفحه ۲

پاسخ معلمان به سرهمبندی رتبه بندی



اعتراضات بسیار گسترده و سراسری معلمان که با دو روز اعتصاب و تعطیل شبکه شاد و تحصن در مدارس صدها شهر و منطقه در روزهای ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۴۰۰ آغاز شد، در روزها ۲۲ و ۲۳ آذر، به تجمعات گسترده، اعتراضات خیابانی و راهپیمایی دهها هزار تن دردها شهر و استان کشور فرا روئید. این اعتصاب سراسری و در صفحه ۳

بودجه ای که تشدید بحران

اقتصادی رکود - تورمی را آشکار می سازد

میان این طبقه. طبقه ای که با بهره گیری از رانت قدرت، در طول این سالها به ثروتی افسانه ای دست یافته است.

این واقعیتیست آشکار که در دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی بودجه ها همواره علیه زحمتکشان و به نفع سرمایه داران تنظیم شده اند. بودجه سال ۱۴۰۱ اما گوی سبقت را از این جهت از تمام بودجه های سالهای گذشته

در صفحه ۱۰

در سرمایه داری حاکم بر ایران، دولت به دلیل درآمدهای حاصل از نفت نقش ویژه ای در اقتصاد دارد. نقشی که در چگونگی ساختار استبدادی دولت نیز تاثیرگذار بوده است. به دلیل همین نقش و جایگاه دولت در اقتصاد است که بودجه های سالیانه چشم اندازی از وضعیت اقتصادی پیش رو به ما می دهند. بودجه هایی که همواره ابزاری بوده اند در دست طبقه حاکم برای باز توزیع ثروت و دلارهای بدست آمده از فروش نفت در

بازی جمهوری اسلامی

و شرکت های داروسازی با جان مردم

در هفته های اخیر بار دیگر مشکل جدیدی بر بی شمار معضلات مردم ایران افزوده شده است. صدها هزار تن از مردم ایران که درگیر بیماری های جدی هستند، با مشکل نایاب شدن داروها و افزایش سه تا چهار برابری بهای آن ها مواجه شده اند. این نایاب شدن و گرانی داروها دیگر محدود به چند داروی خاص یا داروهای خارجی نیست. اکنون حتی بسیاری از داروهای معمولی و ایرانی هم دیگر یافت نمی شوند. تعداد این داروهای نایاب مدام در حال افزایش است. داروخانه ها از نایاب شدن ۲۰۰ قلم دارو خبر می دهند. این وضعیت اسفبار که بازی باجان انسانهاست، حتی منجر به تجمعات و اعتراض های

در صفحه ۵

طلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
از اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان پیگیرانه حمایت کنیم

در صفحه ۷

گزارشی از آکسیون اعتراضی
علیه رژیم جمهوری اسلامی در لندن

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جمهوری اسلامی در میان انتخاب دو گزینه

تازه ای که با بازگشت به برجام مغایرت دارد، زمان با ارزشی را از دست می دهد. در این ساعت و در این روز، ما همچنان رویکرد دیپلماسی را دنبال می کنیم، زیرا این رویکرد هم اکنون بهترین گزینه است اما در عین حال فعالانه با متحدان و شرکای خود بر سر جایگزین ها بحث می کنیم". علاوه بر آمریکا، نمایندگان دائم انگلیس، آلمان و فرانسه در سازمان ملل نیز روز سه شنبه ۲۳ آذر، در بیانیه مشترکی که توسط سفیر فرانسه در مقر سازمان ملل قرائت شد، با انتقاد از مواضع هسته ای ایران در مذاکرات وین، هشدار دادند که جمهوری اسلامی و قدرت های بزرگ به سرعت در حال رسیدن به پایان راه توافق برجام هستند. در بیانیه نمایندگان تریکای اروپا آمده است: "تا این لحظه هنوز نتوانسته ایم به مذاکرات واقعی بپردازیم... زمان رو به اتمام است و بدون پیشرفت مطلوب و با توجه به پیشبرد سریع برنامه هسته ای ایران، برجام به زودی به پوسته ای خالی تبدیل خواهد شد". امضا کنندگان بیانیه همچنین یادآور شدند: "اکنون درهای دیپلماتیک برای ایران جهت انجام یک توافق کاملا باز است. ایران باید بین فروپاشی برجام و یک توافق منصفانه و جامع به نفع مردم و ملت ایران یکی را انتخاب کند".

در این میان، چین و روسیه نیز از مواضع تهاجمی و حداکثری جمهوری اسلامی راضی نبوده و تا کنون هیچ اقدامی به نفع ایران انجام نداده اند. به رغم تلاش های علی باقری برای جلب نظرات چین و روسیه جهت پشتیبانی از مواضع ایران، چین در سکوتی مطلق فرو رفته و اولیاتف، نماینده روسیه نیز با تاکید بر اینکه مبنای ادامه کاری مذاکرات کنونی باید همان پیش نویس شش دوره قبل باشد، به نوعی از مواضع تند و حداکثری جمهوری اسلامی فاصله گرفته است.

تا اینجای کار به رغم شکاف عمیقی که میان طرفین مذاکره وجود دارد، عدم پیشرفت مذاکرات، صرفا به مطالبات حداکثری جمهوری اسلامی و عدم قبول این مطالبات از طرف آمریکا و گروه کشورهای ۱+۴ خلاصه نمی شود. علاوه بر موانع یاد شده، آنچه دور هفتم مذاکرات احیای برجام را کمی پیچیده تر و ادامه کاری آن را در هاله ای از شکست و ابهام فرو برده است، عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین المللی اتمی است. رافائل گروسی، دبیر کل آژانس بین المللی هسته ای، روز پنجشنبه ۲۵ آذر طی مصاحبه با العربیه در باره عدم پایبندی جمهوری اسلامی به توافقات صورت گرفته با آژانس گفت: "مذاکرات برجام در وین بدون نظارت آژانس بر برنامه های اتمی ایران به نتیجه نمی رسد. حکومت ایران فعالیت های هسته ای خود را گسترش داده و از خطوط قرمز عبور کرده است... آژانس می خواهد بداند که جمهوری اسلامی هر گرم از اورانیوم غنی شده اش را در کجا پنهان می کند".

بن بست کنونی دور هفتم مذاکرات احیای برجام و بی حاصلی آن طی بیست روز گذشته، از آنجا شروع شد که جمهوری اسلامی با اتکاء بر پیشرفت های هسته ای خود، با یک رویکرد تهاجمی و درخواست مطالبات حداکثری به وین بازگشت. جمهوری اسلامی بر این باور بود و یا دست کم اینگونه فکر می کرد که با اتکاء بر پیشرفت های هسته ای طی دو سال گذشته، دستیابی به غنی سازی

اورانیوم ۶۰ درصدی و بالاتر و همچنین غنی سازی اورانیوم فزنی که عموماً در تولید بمب اتم کارکرد دارد، می تواند با دست پر وارد مذاکرات شده و بدون اینکه امتیازی بدهد از آمریکا و اروپا امتیازهای کلان بگیرد. تیم مذاکره کننده و به طریق اولی، هیات حاکمه ایران هرگز فکر نمی کرد با ورود به دور جدید مذاکره، با چنین حجمی از ایستادگی و اعمال فشار از طرف آمریکا و کشورهای ۱+۴ روبرو خواهد شد. اعمال فشار و هشدارهای پیاپی طرف های مقابل مبنی بر فروپاشی برجام و پیامد این فروپاشی که عواقب سیاسی و اقتصادی آن بیش از همه بر سر جمهوری اسلامی آوار خواهد شد، باعث عقب نشینی گام به گام هیئت حاکمه ایران از مواضع حداکثری شروع مذاکرات دور هفتم شد.

پوشیده نیست، در شرایط فعلی، رهایی از تحریم های نفتی و بانکی برای جمهوری اسلامی امری ضروری و حیاتی است. برای هیئت حاکمه ایران رفع تحریم ها، آزاد شدن دلارهای بلوکه شده، فروش نفت، رفع تحریم های بانکی و برقراری روابط اقتصادی بی دردسر با کشورهای جهان، از جمله نیازهای فوری و مبرم است. با بحران های عیدیه ای که جمهوری اسلامی در آن غوطه ور است، با اقتصاد فرو پاشیده ای که رژیم در آن دست و پا می زند، با خزانه تهی دولت که روند چرخه بوروکراتیک ماشین دولتی را مختل کرده است و نیز در پرتو جنبش های اعتراضی که کلیت جامعه را فرا گرفته است، جمهوری اسلامی اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند احیای توافق برجام است. لذا، عقب نشینی گام به گام جمهوری اسلامی از مطالبات حداکثری، نخستین کرنش تیم مذاکره کننده ایران در مذاکرات جاری وین بود. در واقع، جمهوری اسلامی در شروع مذاکرات دور هفتم، با یک ارزیابی غلط از موقعیت خود و طرف مقابل به مذاکرات وین وارد شد که اکنون به شدت در آن گیر کرده و راه گریزی بجز تعامل و عقب نشینی گام به گام برایش باقی نمانده است.

اولین عقب نشینی جمهوری اسلامی، پذیرش نصب دوربین های آژانس در تاسیسات اتمی کرج بود. اقدامی که شش ماه از آن امتناع کرد و حتی بهروز کمالوندی، مسئول سازمان انرژی اتمی ایران به هنگام شروع مذاکرات دور هفتم به صراحت اعلام کرد: تاسیسات کرج برای تولید سانتریفیوژ است و از این رو شامل نظارت آژانس نمی شود. اما با گزارش رافائل گروسی در نشست شورای حکام، مبنی بر اینکه آژانس دیگر قادر نیست صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران را تایید کند و پیامد این گزارش وقتی فشار بر جمهوری اسلامی افزایش یافت، به یکباره امیر عبداللّه‌یان از پذیرش نصب دوربین های آژانس در تاسیسات کرج خبر داد. از آنجا که قبول نصب دوربین ها در تاسیسات کرج، تنها نوک قله چالش های جمهوری اسلامی در مذاکرات برجام بود و این اقدام به تنهایی کمی برای پیشبرد مذاکرات محسوب نمی شد، عقب نشینی های بعدی هم شروع شد. عقب نشینی از مطالبه لغو همه تحریم های موجود و کاهش این مطالبه حداکثری به سطح لغو تحریم های صرفا برجامی، دومین گام رژیم در مسیر تعامل با مذاکرات بود. پذیرش ادامه کاری مذاکرات وین بر مبنای همان توافقات تیم قبلی، سومین عقب نشینی

آشکار جمهوری اسلامی طی بیست روز گذشته از شروع مذاکرات دور هفتم تا به امروز بوده است.

در مقابل عقب نشینی های جمهوری اسلامی که تا ۱+۴ نیز پذیرفته اند که علاوه بر لغو تحریم های برجامی، نکاتی از دو متن جدید ارائه شده در این دوره از مذاکرات را به متن پیش نویس توافقات شش دوره قبل بیافزایند. جدای از این ها، آمریکا نیز تا کنون دو متن به تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی تحویل داده است. یکی در مورد تحریم ها و دیگری در مورد فعالیت های هسته ای ایران. دو متنی که تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی را از ادامه کار در وین باز داشت و آن‌ها مجبور شدند تا مجدداً برای مشورت و تصمیم گیری راهی ایران شوند.

با اینهمه و به رغم مشترکات جدیدی که طرفین طی هفته گذشته به آن دست یافته اند، به نظر می رسد شکاف ها و باقی مانده موضوعات مورد اختلاف آنچنان بزرگ و عمیق هستند که با وجود یک هفته حضور همه طرف های مذاکره در وین، نمایندگان جمهوری اسلامی و طرف های دیگر برجام قادر به برگزاری هیچ نشست مشترکی نشدند. حتی همان نشست کمسیون مشترکی که باقری کنی وعده برگزاری آن را در روز جمعه ۲۶ آذر (۱۷ دسامبر) داده بود، لغو شد.

العربیه به نقل از انریکه مورا، هماهنگ کننده اروپایی مذاکرات نوشت: دور هفتم مذاکرات هسته ای میان ایران و قدرت های جهانی، طبق درخواست طرف ایرانی و بدون دست یابی به نتیجه ای پایان یافت و اعضای هیئت جمهوری اسلامی ایران برای مشورت به کشور خود بازگشتند. خبرگزاری های داخل ایران از جمله تسنیم نیز از قول "منابع نزدیک به مذاکرات" اعلام کردند که دور هشتم مذاکرات پس از وقفه ای حدوداً ۱۰ روزه دوباره از سر گرفته می شود.

با توجه به تمامی مسائلی که در وین می گذرد و مشکلاتی که میان آژانس بین المللی اتمی با جمهوری اسلامی بر سر مفقود شدن نوار فیلم یکی از دوربین های تاسیسات کرج پیش آمده است، هیئت حاکمه ایران اکنون بر سر دوراهی تعامل (عقب نشینی) و تقابل (یافشاری بر مواضع خود) گیر کرده است. به رغم اینکه چشم انداز هیچگونه توافقی دست کم در کوتاه مدت آنهم بدون عقب نشینی جمهوری اسلامی منصور نیست، اما روشن است که در صورت تقابل و فروپاشی برجام، هیچ چیزی عاید رژیم نخواهد شد. فروپاشی برجام اساساً به نفع جمهوری اسلامی نیست. پیشرفت های هسته ای جمهوری اسلامی نیز هیچ کمکی به حل بحران های ناعلاج این رژیم نخواهند کرد. زمان به سرعت در حال سپری شدن است. کشمکش های جمهوری اسلامی با آمریکا فراتر از مسائل هسته ای است. بحران موشکی و بحران منطقه ای احتمالاً جزئی از مباحث پشت پرده مذاکرات برجام در وین است. موضوعاتی که روند مذاکرات را پیچیده تر کرده است. هر روز که می گذرد تصمیم گیری برای هیئت حاکمه ایران سخت تر می شود. با وضعیتی که جمهوری اسلامی در آن گرفتار است، فروپاشی توافق برجام برایش جام شوکرانی بیش نیست. حال باید دید، جمهوری اسلامی و هیئت حاکمه ایران برای اجتناب از جام شوکران فروپاشی برجام، تا کجا عقب نشینی خواهد کرد.

پاسخ معلمان به سرهمبندی رتبه‌بندی



اعتراضات خیابانی، تمام اعتصابات و اعتراضات پیشین معلمان را از لحاظ کمی و کیفی پشت سر گذاشت و مرحله جدید و پیشرفته‌تری را در جنبش اعتراضی معلمان رقم زد. معلمان زحمتکش و مبارز ایران که برای تحقق مطالبات خویش مکرر دست به اعتراض و تجمع زده و تنها از آغاز سال تحصیلی (اول مهر) تاکنون چهار اعتراض سراسری برگزار نموده‌اند، در قطعنامه پایانی تجمع سراسری ماقبل آخر خود مورخ یازده آذر ۱۴۰۰ به روشنی تأکید کرده بودند اگر طرح کامل رتبه‌بندی معلمان شاغل و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان اجرایی نشود، در اشکال گوناگونی چون اعتصاب، تعطیل کلاس درس و تجمع و راهپیمایی به اعتراض خویش ادامه خواهند داد، با اعتصاب سراسری و اعتراضات خیابانی در روزهای ۲۰ الی ۲۳ آذر به هشدار خویش عمل کردند و دولت جمهوری اسلامی و وزارت آموزش و پرورش آن را در مقیاس سراسری به چالش کشیدند. اعتصاب سراسری و اعتراضات خیابانی معلمان در این روزها نه فقط بزرگترین اقدام اعتراضی معلمان در سال جاری و در ده سال گذشته بلکه از جنبه‌های گوناگونی سرآمد تمام مبارزات معلمان در ۴۰ سال اخیر و دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است که آن را از سایر اعتراضات معلمان متمایز می‌سازد. به چند ویژگی برجسته اعتصاب سراسری و تجمع خیابانی اخیر معلمان اشاره می‌کنیم.

اولاً شمار شهرها و مدارس و کمیت فرهنگی که در کل کشور به اعتصاب پیوستند یا در تجمعات و اعتراضات خیابانی حضور یافتند از تمام موارد پیشین بیشتر بود. این واقعیت اما تأیید واقعیت دیگر و مهم‌تری است مبنی بر این که تلاش تشکلهای صنفی و فعالان جنبش اعتراضی معلمان برای ترغیب به مشارکت تعداد هرچه بیشتری از معلمان در اعتراضات سراسری با موفقیت نسبی همراه بوده است. بهرغم ایجاد موانع و تشدید فشار و ارباب دستگاه امنیتی و بازداشت و حبس و پرونده‌سازی برای فعالان این تشکلهای، اعتصاب سراسری و اعتراض خیابانی و پرشمار اخیر معلمان نشان داد که معلمان توانسته‌اند از این موانع عبور کنند و اعمال فشار و تهدید دستگاه امنیتی نتوانسته خللی در اراده معلمان برای ادامه مبارزه ایجاد کند یا مانع آن شود. برعکس، آگاهی‌رسانی و روشن‌گری و دعوت مکرر فعالان جنبش اعتراضی معلمان در هر تجمع و اعتراض از سایر همکاران خود برای پیوستن به اعتراض و اعتصاب، اثرات مثبتی برجای گذاشته و نیروی بیشتری وارد عرصه مبارزه شده‌اند. اعتصاب و تجمعات اعتراضی بزرگ و سراسری اما بدون یک تشکل هماهنگ‌کننده و سازمان‌دهی در مقیاس سراسری نمی‌توانست به وقوع بپیوندد. این مهم، در اساس با تلاش و ابتکار عمل "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور" که کانون‌ها و تشکلهای صنفی معلمان را نمایندگی می‌کند میسر شد. موضوعی

که نه فقط اعتبار و نفوذ نسبی این تشکل در میان معلمان را ثابت می‌کند بلکه در عین حال بیانگر تحولات مثبت درونی آن به سود کار آیی بیشتر این تشکل و به سود گسترش و تعمیق مبارزات معلمان است. بنابراین افزون بر حضور شمار بیشتری از توده معلمان، درجه نسبتاً بالای سازمان‌دهی و هماهنگی میان فرهنگیان سراسر کشور نیز از ویژگی‌های برجسته اعتصاب و اعتراض خیابانی گسترده اخیر معلمان است. ویژگی مهم دیگر، حضور پررنگ زنان در اعتصاب و اعتراض سراسری معلمان است. البته حضور فعال زنان در جنبش‌های اعتراضی موضوع جدیدی نیست. زنان مبارز و ستم‌کشیده ایران سال‌هاست دوشادوش مردان و گاه پیشاپیش مردان در صفوف اول مبارزه حضور دارند. در اعتصابات و اعتراضات معلمان نیز، معلمان زن همواره بخش مهمی از معترضین بوده‌اند. در اعتصاب و اعتراض سراسری اخیر اما این حضور بسی پررنگ‌تر بود. صدای زنان در فریاد شعارها، حمل شعارنوشته‌ها و سخنرانی‌ها پرشورتر و جسورانه‌تر و رساتر از گذشته بود. معلمان زن در چندین شهر کوچک و بزرگ در میدان‌ها و خیابان‌ها بر سکو و چهارپایه ایستادند، علیه سیاست دولت در زمینه آموزش و پرورش و در دفاع از تحصیل رایگان و باکیفیت دانش آموزان و حقوق معلمان شجاعانه سخنرانی کردند. شور و شجاعت و جسارت زنان، این بار در اعتصاب و اعتراض سراسری معلمان عیان‌تر شد. این حضور به چنان مرحله‌ای رسیده است که امروز بدون نام بردن از زنان، حتی نمی‌توان حرفی از جنبش‌های اعتراضی بر زبان آورد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم اعتصاب و تجمعات سراسری معلمان، حضور و همراهی دانش آموزان و والدین آن‌ها با معلمان بود. این موضوع بسیار مهمی است که دانش آموزان و والدین آن‌ها انگیزه اعتراض معلمان را درک کنند و با آن همراه شوند. همه می‌دانند که معلمان جزء زحمتکش‌ترین اقشار جامعه هستند و علی‌رغم اینکه وظیفه بسیار خطیر و پر مسئولیت آموزش و پرورش کودکان و دانش آموزان را بر عهده‌دارند، اما از حداقل امکانات یک زندگی انسانی و رفاه و آسایش نسبی و ضروری شغل معلمی محروم‌اند. اکثر قریب به اتفاق معلمان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بسیاری برای تأمین معاش، به شغل دوم و سوم روی می‌آورند. مشکلات معیشتی و سطح پایین حقوق‌ها، به‌اجبار ذهن و فکر معلم را به خود مشغول می‌کند و بی‌آنکه معلم بخواهد توان جسمی و فکری وی را زایل ساختن و از کیفیت کار و تدریس آن می‌کاهد. تمام دانش‌آموزان و والدین آن‌ها باید این موضوع را متوجه باشند و بخشاً متوجه شده‌اند که هر اندازه وضعیت حقوقی و معیشتی معلمان بدتر و وخیم‌تر باشد، وضعیت آموزش و تعلیم و تربیت دانش آموزان نیز بدتر و وخیم‌تر و کیفیت آن پایین‌تر است. این آن نکته‌ای است که دانش‌آموزان و والدین آن‌ها باید به آن پی ببرند و

شواهد نشان می‌دهد که بخش اعظم آن‌ها نیز به این موضوع پی برده‌اند. حضور دانش‌آموزان و والدین آن‌ها در اعتراضات اخیر معلمان و حمایت از خواست آن‌ها نیز حاکی از همین واقعیت است، گو آنکه چنین رویکردی در مراحل مقدماتی است اما آغازش را کسی نمی‌تواند انکار کند.

هماهنگی میان معلمان شاغل و بازنشسته نیز از ویژگی‌های قابل‌توجه اعتراضات خیابانی و سراسری معلمان بود. گرچه تشکلهای صنفی معلمان شاغل و تشکلهای گوناگون بازنشستگان هم در سطح صدور بیانیه‌های گوناگون، مکرر وارد اتحاد عمل شده و هم در بسیاری از تجمعات اعتراضی دست در دست و شانه‌به‌شانه هم به اعتراض برخاسته‌اند، در اعتراض سراسری اخیر اما این هماهنگی بسیار پررنگ‌تر و محسوس‌تر بود و شعارها و خواست‌ها نیز، هر دو بخش را دربر می‌گرفت. معلمان شاغل در نقش حامی و مدافع معلمان بازنشسته و بازنشستگان در هیئت حامی شاغلان هر دو متحد یکدیگر ظاهر شدند تا جاده اتحاد زحمتکشان را بکوبند و هموار کنند. از این مهم‌تر نطفه‌گیری نوعی همکاری و انعکاس خواست‌های معلمان غیررسمی مانند معلمان مدارس غیرانتفاعی خرید خدمتی، نهضت سوادآموزی و امثال آن در بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های تشکلهای صنفی معلمان و فعالان این تشکلهای و حضور این گروه از معلمان در اعتراضات سراسری است. گرچه این پدیده بسیار مهم نیز عملاً کلید خورده و ضرورت اتحاد میان معلمان و تقویت صفوف آن‌ها برکسی پوشیده نیست اما شواهد موجود حاکی از آن است که توفیق در این زمینه نیازمند کار متمرکزتر، آگاهانه‌تر و سازمان‌یافته‌تر بیشتری است.

از دیگر ویژگی‌های اعتصاب و اعتراض خیابانی و سراسری اخیر معلمان، طرح شعارها و خواست‌های همزمان صنفی و سیاسی است. گرچه معلمان آگاه و زحمتکش ایران در طول مبارزات خویش در سال‌های گذشته نیز، همپای شعارها و مطالبات اقتصادی و صنفی، شعارها و خواست‌های سیاسی متعددی نیز مطرح کرده‌اند و این خصوصیت را نمی‌توان به اعتصاب و اعتراض سراسری اخیر محدود نمود اما در حال تأکید روی این نکته از آن جهت ضروری و مهم است که برخی گمان می‌برند یا تلاش می‌کنند تحت عنوانی چون "جنبش مطالباتی" و "مطالبه‌گری" خواست‌ها و شعارهای معلمان را به مطالبات و شعارهای صرفاً اقتصادی محدود کنند و مراد آن‌ها از "جنبش مطالباتی" جنبشی برای مطالبات صرفاً اقتصادی است. این تصور و تلاش،

پاسخ معلمان به سرهمبندی رتبه‌بندی



که در شرایط سیاسی و مشخص جامعه ایران بتوان مطالبات معلمان و دیگر زحمتکشان را در چارچوب مطالبات صرفاً اقتصادی و صنفی به بند کشید به‌کلی مردود و بی‌ثمر است. در اعتصاب و تجمعات سراسری اخیر معلمان نیز علاوه بر خواست‌ها و شعارهای صنفی و اقتصادی مانند اجرای کامل لایحه رتبه‌بندی معلمان شاغل و هم‌ترازی و همسان‌سازی حقوق معلمان بازنشسته، خواست آموزش رایگان و باکیفیت برای همه دانش‌آموزان، مخالفت شدید با سیاست دولت در زمینه پولی‌سازی و خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و آزادی معلمان زندانی نیز عنوان شد که همگی خصلت سیاسی دارند.

اقدامات و واکنش دولت و مجلس اما در قبال مطالبات معلمان نشان داد که معلمان زحمتکش برای عملی ساختن خواست‌های خویش به‌ویژه اجرای طرح رتبه‌بندی و همسان‌سازی باید اعتصابات و اعتراضات گسترده‌تری را سازمان دهند و مشارکت هرچه بیشتر معلمان و حمایت گسترده‌تر دانش‌آموزان و والدین آن‌ها را جلب کنند. مجلس اسلامی و دولت سرکوبگر حاکم نه‌فقط گوش‌های خویش را بستند، صدای معلمان را نشنیدند و از پذیرش خواست صدها هزار معلم سر باز زدند، بلکه به ارباب و سرکوب و خدعه و حقه‌بازی متوسل شدند. در تهران و چند شهر دیگر صفوف معلمان مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفت. شمار زیادی از معلمان مورد ضرب و شتم و تهدید و ارباب قرار گرفتند. تعدادی از فعالان تشکل‌های صنفی معلمان احضار و بازداشت شدند. رسول بدایعی عضو "کانون صنفی معلمان اسلام‌شهر" و نماینده این کانون در "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور" که مدت ۷ سال در زندان‌های حکومتی اسیر بوده است، با اعمال خشونت و ضرب و شتم بازداشت و روانه بند ۲۰۹ زندان اوین شد. جعفر ابراهیمی بازرس همین "شورا" در کرج به محاکمه کشیده شد. آماج امینی عضو "انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زیویه)" احضار و در اداره اطلاعات مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اصغر امیرزادگان در دادگاه شهر فیروزآباد به یک سال حبس محکوم شده است. یعقوب یزدانی عضو هیئت‌مدیره "انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان شمالی" به دو سال زندان محکوم شده است. محمود ملاکی عضو هیئت‌مدیره "کانون صنفی فرهنگیان بوشهر" به دو سال ممنوعیت تدریس و جریمه نقدی

محکوم شده است. زینب همرنگ معلم بازنشسته در زندان اوین به سر می‌برد و درحالی‌که از بیماری رنج می‌برد از دادن مرخصی برای معالجه به این معلم بازنشسته خودداری شده است. اسماعیل عیدی، یعقوب یزدانی، مهدی فتحی، محمدرضا رمضان زاده، هاشم خواستار و تعداد دیگری از معلمان و فعالان تشکل‌های صنفی آن‌ها زندانی هستند. نیازی به توضیح نیست که با ارباب و زندان و تشدید سرکوب نمی‌توان صورت مسئله را پاک کرد. تا خواست‌های معلمان به‌طور کامل برآورده نشود، اعتصاب و اعتراض ادامه خواهد داشت. همه معلمان می‌دانند که طبق قانون مدیریت خدمات کشوری که سال ۸۶ به تصویب رسیده، حقوق کارمندان دولتی مشغول به کار در ادارات و نهادهای مختلف که در رده مشابه و یکسانی قرار دارند باید یکسان محاسبه و پرداخت شود. اما نزدیک به ۱۵ سال است که این قانون به محاق فراموشی سپرده شده و دولت از اجرای آن در مورد معلمان سر باز زده است. افزون بر این، لایحه رتبه‌بندی معلمان که تحت تأثیر مبارزات مستمر فرهنگیان در ماه‌های پایانی کابینه روحانی به مجلس داده شد نیز عملاً بلا تکلیف ماند و تصویب آن به مجلس حامی رئیسی موکول شد. درست در بحبوحه اعتصابات و اعتراضات سراسری (۲۰ الی ۲۳ آذر) معلمان، مجلس نیز این لایحه را مورد بررسی قرار داد. "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور" در اطلاعیه کوتاهی مورخ ۲۳ آذر اعلام کرد تا ۲۸ آذر به نمایندگان مجلس مهلت می‌دهد که رتبه‌بندی کامل و همسان‌سازی واقعی را مصوب سازد و معلمان زندانی نیز آزاد شوند و تأکید نمود در غیر این صورت از ۳۰ آذر سلسله اعتراضات جدیدی را آغاز خواهد کرد. اما روز ۲۴ آذر این لایحه به شکل ناقص و مسخره‌ای به تصویب مجلس رسید که بلافاصله با اعتراض شدید معلمان روبرو شد. معلمان با عباراتی نظیر "رتبه‌بندی سرهمبندی شد"، "خدعه بندی" و "مجلس تیر خلاص را بر رتبه‌بندی زد" در مور این تصمیم و مصوبه مجلس قضاوت کردند. شورای هماهنگی در مورد این مصوبه نوشت "طبق مصوبات روز چهارشنبه ۲۴ آذر، دولت فقط ۱۲/۵ هزار میلیارد تومان برای شش ماه اختصاص می‌دهد و به‌جای رتبه‌بندی حداقل هشتاد درصد حقوق هیئت‌علمی صرفاً درصدهای ناچیزی به حقوق معلمان اضافه خواهد شد که پس از اعمال این درصدها حقوق فرهنگیان بین یک

و نیم تا دو میلیون تومان افزایش خواهد یافت و با توجه به تورم و بودجه انقباضی سال بعد تمام معلمان زیر خط فقر باقی می‌مانند." مجلس نه‌فقط لایحه رتبه‌بندی را سرهمبندی کرد، بلکه خواست همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را نیز پشت گوش انداخت. این دهن‌کجی آشکار مجلس ارتجاع به معلمان بار دیگر بر این واقعیت صحنه گذاشت که مجلس حامی سرمایه‌داران و غارتگران و دشمن زحمتکشان است. مجلس حامی رئیسی و کابینه وی به خواست معلمان و بازنشستگان تن نخواهند داد مگر آن‌که با گسترش اعتصابات سراسری و اعتراضات خیابانی به این کار وادار شوند. "شورای هماهنگی" همان‌طور که در قطعنامه پایانی تجمع سراسری ۱۱ آذر سال جاری تصریح کرده بود اگر طرح کامل رتبه‌بندی شاغلان و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان اجرایی نشود، معلمان به اعتراض و اعتصاب و تجمع ادامه خواهند داد و در اعتصاب سراسری و تحصن دوازده و ۲۰ و ۲۱ آذر و تجمعات و اعتراضات گسترده خیابانی در روزهای ۲۲ و ۲۳ آذر، معلمان به این هشدار عمل کردند، بعد از سرهمبندی رتبه‌بندی نیز بر پیگیری مطالبات خویش و ادامه مبارزه برای تحقق آن تأکید کردند. در پاسخ به بی‌اعتنایی مجلس بدون شک معلمان مبارز کارزار مبارزاتی جدی‌تری را پی خواهند گرفت. کابینه رئیسی و مجلس حامی وی و کل دستگاه حکومتی باید منتظر اعتصابات گسترده سراسری و اعتراضات وسیع و پرشور خیابانی از نمونه تجمع بزرگ معلمان شیراز و تهران، راهپیمایی وسیع معلمان یاسوج و گناوه و امثال آن باشند. معلمی که بیدار است و از تبعیض بیزار، معلمی که خواهان اجرای کامل رتبه‌بندی است نه سرهمبندی آن و اجرای کامل طرح رتبه‌بندی را حق مسلم خود می‌داند، معلمی که خواهان هم‌ترازی بدون حقه‌بازی است و آن‌که شعار می‌دهد "معلم به پا خیز برای رفع تبعیض"، بی‌اعتنایی، نیرنگ، خدعه‌گری و حقه‌بازی مجلس و کابینه را تحمل نخواهد کرد. آنان که باد کاشته‌اند باید در انتظار طوفان باشند.



بازی جمهوری اسلامی و شرکتهای داروسازی با جان مردم

بیماران خاص از جمله بیماران ام اس اس ای نیز شده است.

اخیراً نایب‌رئیس انجمن داروسازان ایران، در گفت‌وگو با ایسنا، درباره کمبود و گرانی دارو در داروخانه‌ها، گفت: "کمبود دارو همواره وجود داشته و اقلام آن بین ۳۰ تا ۴۰ قلم دارو متغیر بوده است که عمدتاً هم مربوط به داروهای وارداتی بود که در مواقعی مشکلاتی در وارداتشان ایجاد می‌شد و دچار کمبود می‌شدند، اما در ۲۰ سال اخیر سابقه نداشت که تا این حد کمبود داروهای داخلی داشته باشیم.

آنچه که اکنون مردم نگرانش هستند، این است که داروهایی که ده‌ها سال است در ایران ساخته می‌شوند، اعم از آنتی‌بیوتیک‌های بسیار ساده و ... که از اصلی‌ترین داروهای داروخانه‌ها بودند، در حال حاضر کمیاب و نایاب شدند.

در همه گروه‌های دارویی دچار کمبود هستیم؛ اعم از آنتی‌بیوتیک‌ها، داروهای اعصاب، برخی داروهای گوارشی و ...

در حوزه بیماران خاص و انسولین و ... هم کمبودهایی را داریم. اکنون داروی ام‌اس که دو میلیون تومان بود، به‌نام بتافرون هشت تا ۹ میلیون تومان شده است که مردم از پس آن بر نمی‌آیند و سازمان‌های خیریه باید به داد مردم برسند. البته این داروها تحت پوشش بیمه است، اما وقتی قیمت‌ها خیلی خیلی بالا می‌رود، عملاً پوشش بیمه‌ای هم دیگر پاسخگو نیست. بیمه‌ها بر اساس قیمت داروی تولید داخلی یا بر اساس قیمت قبلی که ارزان بوده، پوشش می‌دهند و اختلاف قیمت را پوشش نمی‌دهند. حال برخی بیماران خاص از داروی تولید داخلی پاسخ نمی‌گیرند و نیاز به مصرف داروی خارجی دارند." وی این احتمال را مطرح کرد که کمبود داروها به ۵۰۰ قلم نیز برسد.

اما علت کمبود و گرانی دارو در داروخانه‌ها چیست؟

داروسازان علت کمبود و گرانی داروها را حذف ارز ترجیحی از سوی دولت اعلام کرده‌اند. به گفته آن‌ها دلیل گران شدن برخی داروها تغییر ارز اختصاص‌یافته به آن‌ها از ۴۲۰۰ تومانی به ارز نیمایی است. آن‌ها می‌گویند از سال گذشته به دلیل کمبود منابع ارزی و فقدان تأمین ارز لازم برای صنایع دارویی، ارز ۴۲۰۰ تومانی برای برخی از اقلام مورد نیاز صنعت دارویی قطع شد و تأمین آن‌ها از طریق ارز آزاد و افزایش بهای داروها همراه بود. به‌تدریج و در طول سال گذشته و امسال نیز برخی اقلام دارای مشابه تولید داخل و یا اقلام دارای ارزی نیمایی شدند.

آن‌ها همچنین می‌گویند: در مورد موج جدید گرانی و کمبود دارو هنوز سهمیه ارزی شش ماه دوم سال برای دارو تخصیص داده نشده است. در شش ماه اول در مجموع دو میلیارد دلار ارز ترجیحی بود. در صورتی‌که نیاز به حداقل سه میلیارد در سال است. ارز دارو در شش ماه دوم در قانون بودجه عنوان شده بود که نیمایی می‌شود، اما هنوز اختصاص داده نشده است.

نایاب شدن داروها به‌ویژه از هنگامی گسترده‌تر شد که خبر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در لایحه بودجه سال آینده انتشار یافت. در لایحه بودجه سال آینده دولت قصد دارد بخشی از کسری بودجه خود را از طریق تحمیل آن بر دوش بیماران تأمین کند. ارز ۴۲۰۰ تومانی را که قرار بود به برخی داروها اختصاص یابد حذف کرده است تا آن را در بازار آزاد به بهای ۳۰ هزار تومان بفروشد. نتیجه فوری آن در یک زد و بند میان داروخانه‌ها و شرکتهای داروسازی، ناپدید شدن داروها از داروخانه‌ها و مخفی کردن آن‌ها در انبارها بوده است، تا به چند برابر قیمت فروخته شوند. دارو هم‌اکنون نیز وجود دارد، اما داروهای نایاب شده به بهای چند برابر در بازار آزاد فروخته می‌شوند.

ظاهراً موجودی بسیاری از داروها در داروخانه‌ها صفر اعلام شده است. اما برخی داروخانه‌ها پنهانی این داروها را به چند برابر قیمت می‌فروشند. اکنون تعداد داروهای نایاب چنان افزایش یافته است که پزشکان نیز مانده‌اند چه دارویی را تجویز کنند تا بیمار بتواند آن را تهیه کند. یکی از پزشکان در همین رابطه می‌گوید:

- «من یک دکترم هر دارویی که برای بیمار

تجویز می‌کنم چه خارجی و چه ایرانی، بیمار پیدا نمی‌کند. دیگر نمی‌دانم چه دارویی بدهم که بتوانند راحت پیدا کنند».

رئیس انجمن علمی اقتصاد و سلامت ایران می‌گوید: حذف ارز ترجیحی باعث افزایش قیمت دارو می‌شود. محاسبات نشان می‌دهد که داروهای تولید داخل ۴ برابر و داروهای وارداتی تا ۷ برابر افزایش قیمت خواهند داشت.

فشار این افزایش بهای داروها بر دوش میلیون‌ها کارگر و زحمتکش قرار گرفته است. واردکنندگان و شرکتهای تولید دارو سال‌ها درآمد هنگفتی از طریق تفاوت بهای ارز به جیب زده‌اند، اکنون نیز با افزایش بهای داروها سود هنگفتی به جیب می‌زنند. دولت هم بخشی از کسری بودجه خود را از این طریق تأمین خواهد کرد.

این نایاب شدن و افزایش بهای داروها از هم‌اکنون نتایج وخیمی برای توده‌های زحمتکش مردم در پی داشته است. بسیاری از بیماران خاص در پی خرید داروهای موردنیازشان در بازار آزاد از این داروخانه به آن داروخانه می‌روند، تا اگر توان خرید دارو را در بازار آزاد داشته باشند، این داروها را تهیه کنند که حیات‌شان به آن‌ها وابسته است. در نتیجه این نایابی و گرانی داروها، هزینه‌های حتی آن بخش از مردم که بیمه درمانی دارند به‌شدت افزایش یافته و باز هم افزایش خواهد یافت. چراکه بیمه‌ها هم‌اکنون نیز این افزایش بهای داروها را نمی‌پذیرند و تنها بخش کوچکی از آن را می‌پذیرند. به گفته وزیر بهداشت رژیم هم‌اکنون ۴۳ درصد از هزینه‌های درمان را

در صفحه ۶



بازی جمهوری اسلامی و شرکت‌های داروسازی با جان مردم

مردم از جیب خودشان پرداخت می‌کنند. اما فشار کمرشکن این گرانی داروها به‌ویژه بر دوش میلیون‌ها تن از مردم فقیری است که بیمه نیستند و هم‌اکنون نیز نمی‌توانند از عهده هزینه‌های دارو و درمان به‌ویژه بیماری‌های خاص برآیند. یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس تعداد افراد فاقد بیمه را ۸ میلیون اعلام کرده است، اما گزارش‌های دیگر این تعداد را حدود ۱۱ میلیون برآورد کرده‌اند. گرانی و نایاب شدن داروها باعث می‌شود که این مردم فقیر که قادر به پرداخت بهای سنگین داروها نیستند، قید درمان و خرید داروهای گران را بزنند و جان خود را از دست بدهند. گرانی دارو و درمان همواره یک عامل مهم در تشدید فقر بوده است. با این گرانی دارو و هزینه‌های هنگفت آن، اکثریت بزرگ مردم ایران که هم‌اکنون زیرخط فقر قرار دارند، فقیرتر شده‌اند. یک بیمار دیابتی در گفتگو با خبر آنلاین می‌گوید: با حقوق ۷ میلیون تومانی در هر ماه، باید ۵ / ۴ میلیون آن را برای خرید داروی ویکتوزا هزینه کنم. صدها هزار تن از مردم ایران با وضعیتی مشابه رو به رو هستند.

تمام مصائب و مشکلاتی که مردم با نایابی و گرانی دارو با آن مواجه‌اند، نتیجه سیاست‌های یک رژیم ارتجاعی است که سلامت و جان مردم برای آن ارزشی ندارد. جمهوری اسلامی هر سال میلیاردها دلار صرف هزینه‌های دستگاه نظامی و بوروکراتیک خود و جاه‌طلبی‌های توسعه‌طلبانه می‌کند، اما به بهداشت و درمان مردم اهمیتی نمی‌دهد. دارو و درمان را در دست مؤسسات خصوصی قرار داده است که تنها در فکر سودهای کلان خود هستند و نه سلامت مردم ایران. شرکت‌های داروسازی و واردکنندگان دارو در شرایطی که هر سال رقمی حدود ۹ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای تأمین دارو اختصاص می‌یافت،

سودهای کلانی عاید خود ساختند. دعوی امروز آن‌ها پیرامون اختصاص ارز نیز فقط بر سر سود و منافع خودشان است و نه سلامت مردم ایران. با به اصطلاح آزادسازی قیمت داروها، این شرکت‌های دارو سازی هستند که در مورد تولید و بهای داروها تصمیم می‌گیرند. اگر دارویی برای آن‌ها سودآور نباشد، تولید آن را متوقف می‌کنند. چند ماه پیش دبیر سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران در گفت‌وگو با همشهری پیرامون کمبود برخی از داروها گفت: " هم‌اکنون شرکت‌های دارویی ۳۰ درصد محصولاتشان را تولید نمی‌کنند؛ چون دیگر برایشان صرفه اقتصادی ندارد. او درباره این که توقف تولید محصولات دارویی بیشتر به کدام داروها مربوط می‌شود، گفت: این داروها در حوزه‌های قلبی - عروقی، اعصاب و گوارش هستند."

این توده‌های زحمتکش مردم ایران هستند که همواره بار سنگین هزینه‌های دارو و درمان را تحمل کرده‌اند و با حذف کامل ارز ترجیحی باید بار سنگین‌تری را بر دوش بکشند و فقیرتر شوند. ریشه و علت اساسی گرانی و ناپدید شدن داروها از داروخانه‌ها، خصوصی‌سازی بهداشت، دارو و درمان در ایران است. این شرکت‌های داروسازی هستند که به ویژه در طول ماه‌های اخیر بهای داروها را حتی به چند برابر افزایش داده‌اند. مادام که جمهوری اسلامی بر ایران حاکم است، نه‌فقط از این بابت هیچ بهبودی در اوضاع رخ نخواهد داد، بلکه همان‌گونه که تاکنون دیده‌ایم، روزبه‌روز وضعیت وخیم‌تر خواهد شد. معضل گرانی و کمبود دارو حل نخواهد شد، تا روزی که بساط بخش خصوصی از بهداشت، دارو و درمان که مرتبط با سلامت مردم‌اند، جمع شود و عموم مردم از بهداشت، دارو و درمان رایگان برخوردار گردند.

گزارشی از آکسیون اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی در لندن



روز شنبه ۱۸ دسامبر توسط نیروهای چپ و کمونیست، یک تجمع اعتراضی مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی (لانه جاسوسی) در لندن برگزار شد. هواداران سازمان با دادن فراخوان، فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند. این تجمع اعتراضی در حمایت از مبارزات و اعتصاب اخیر معلمان و همچنین مبارزات کارگران برگزار شد. در طول آکسیون شعارهایی علیه رژیم، سرنگونی جمهوری اسلامی و حمایت از معلمان و کارگران و آزادی زندانیان سیاسی داده شد.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورایی
هواداران سازمان
فدائیان (اقلیت) - لندن**

**رژیم جمهوری اسلامی را
باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



از اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان پیگیرانه حمایت کنیم!

اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان طی روزهای ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۴۰۰، بار دیگر جلوه ای از همبستگی، همدلی و پیگیری مطالباتی معلمان را به نمایش گذاشت. اعتصاب سراسری معلمان که شورای هماهنگی کانون های صنفی فرهنگیان فراخوان آن را داده بود، به طور همزمان در ۱۱۰ شهر برگزار شد. اعتصاب و اعتراضاتی که در روز دوشنبه ۲۲ آذر نیز ادامه یافت و در مقیاس سراسری در بسیاری از شهرهای ایران در مقابل اداره آموزش و پرورش و در تهران مقابل مجلس ارتجاع صورت گرفت.

اجرای طرح رتبه بندی شاغلان به صورت کامل (هشتاد درصد حقوق هیئت علمی) و همسان سازی بر پایه حداقل ۱۳ میلیون تومان برای بازنشستگان، از جمله اصلی ترین مطالبات معلمان است که کانون های صنفی معلمان از مدت ها پیش برای تحقق آن به اعتصاب و اعتراض سراسری روی آورده اند. امنیت شغلی برای معلمان پیش دبستانی، آموزش یاران نهضت سوادآموزی، معلمان خرید خدمات آموزشی و معلمان شاغل در بخش خصوصی، توقف خصوصی سازی، تاکید بر حق تحصیل رایگان، آموزش با کیفیت، پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی علیه معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی و همچنین آزادی معلمان دستگیر شده از جمله دیگر مطالبات معلمان است که اجرا و تحقق این خواست ها در هر اعتصاب و اعتراض سراسری معلمان به گوش می رسد.

ویژگی های این دوره از اعتصابات معلمان، همانا تداوم اعتصاب، گستردگی حضور معلمان در اعتصاب و سراسری بودن اعتراضات آنان در شهرهای مختلف کشور است. به رغم بگیر و ببندها، ایجاد موانع و تضییقات سرکوبگرانه ای که هر بار طی روزهای پیش و پس از برگزاری اعتراضات سراسری معلمان بر آنان اعمال می شود، با این همه، اعتصاب و اعتراضات سراسری آنان در روزهای اخیر باز هم بسیار گسترده تر، پرشکوتر و رادیکال تر از اعتصابات پیشین برگزار شد. در واقع، تداوم اعتصاب، گستردگی و افزایش حضور چشمگیر معلمان در اعتصابات و اعتراضات سراسری آنان، بیانگر این حقیقت است که سرکوب، تهدید، بازداشت و پرونده سازی های امنیتی تاثیر و کارایی خود را از دست داده و جنبش اعتراضی معلمان همراه با دیگر جنبش های اجتماعی به تاسی از شرایط انقلابی موجود در جامعه و به فراخور تعمیق بیشتر بحران های حاکم بر جمهوری اسلامی، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی به درجه بالاتری از اعتصاب و اعتراضات خیابانی ارتقاء یافته اند.

همراهی دانش آموزان با معلمان اعتصابی، حضور گسترده و چشمگیر معلمان زن در اعتصابات کنونی، ورود توده های غیر معلم (هرچند محدود) به صفوف اعتراضی معلمان و نیز افزایش وزن سیاسی اعتراضات و اعتصابات اخیر معلمان، از جمله ویژگی های برجسته اعتصابات سراسری معلمان در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آذر بوده است. ویژگی های بسیار ارزنده ای که باید بدان توجه نمود و پیگیرانه در مسیر گسترش و تعمیق بیشتر آن نیرو گذاشت. نکته دیگری که باید بدان توجه کرد، عقب نشینی مجلس ارتجاع در مقابل اعتصابات سراسری معلمان است. اگرچه اعتصابات سراسری معلمان، مجلس ارتجاع را وادار به تصویب طرح رتبه بندی معلمان به صورت سر و دم بریده کرد، اما این ترفند جمهوری اسلامی که با هدف ایجاد شکاف در صفوف مبارزاتی معلمان و همچنین ایجاد تردید در ادامه اعتصابات و اعتراضات سراسری آنان بود، اما این حيله گری مجلس ارتجاع با موضع گیری به موقع و سریع کانون صنفی معلمان در نطفه خفه شد.

محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان، روز چهارشنبه ۲۴ آذر، در واکنش به تصویب نیم بند طرح رتبه بندی گفت: "آنچه که امروز در مجلس تصویب شد یک سرهم بندی بود، نه طرح رتبه بندی. این طرح مورد تایید معلمان و تشکل های صنفی فرهنگیان نیست و تجمعات سراسری معلمان تا رسیدن به مطالبه مطلوب ادامه خواهد داشت". روشن است، با تصویب نیم بند طرح رتبه بندی و بودجه ناچیزی که برای اجرای آن لحاظ شده است، تغییر چندان در وضعیت معیشتی معلمان رخ نخواهد داد و اکثریت مطلق معلمان همچنان در فقر معیشتی باقی خواهند ماند. علاوه بر این، دولت هم آب پاکی را بر سر این مصوبه مجلس ریخت و اعلام کرد که اساسا هیچگونه بودجه ای برای اجرای همین مصوبه "سرهم بندی" شده مجلس ندارد. در چنین وضعیتی، آنگونه که سخنگوی کانون صنفی معلمان گفته است، فرهنگیان کشور برای تحقق مطالبات بر حق خود راهی بجز تشدید مبارزه و تداوم بخشیدن به اعتصابات سراسری خود ندارند.

بر کسی پوشیده نیست که تداوم و تشدید مبارزه معلمان نیز، نیاز به اتحاد، همبستگی، تقویت تشکل های صنفی معلمان، تقویت ارتباطات کانون های صنفی و پیوند ارگانیک این تشکل ها با شورای هماهنگی کانون های صنفی فرهنگیان دارد. علاوه بر ملزومات ذکر شده، حمایت عملی دانش آموزان و اولیاء آنان و نیز روی آوری توده های مردم برای حضور در اعتراضات خیابانی معلمان نکته بسیار مهمی است که می تواند کفه مبارزاتی معلمان را سنگین تر و زمینه را برای تحقق مطالبات آنان فراهم سازد.

به رغم پیشرفت های غیر قابل انکاری که جنبش مطالباتی و اعتراضی معلمان تاکنون داشته است، اما هنوز این جنبش از حمایت عملی توده های مردم ایران و دیگر جنبش های اجتماعی برخوردار نیست. پوشیده نیست، تحقق مطالبات معلمان، تاثیرات مستقیمی در بالا رفتن امنیت شغلی آنان، پرهیز از چند شغلی، ایجاد آرامش و داشتن فراقت بیشتر برای ارتقاء علمی خود و ارتقاء سطح آموزش و پرورش دانش آموزان خواهد بود. لذا، از هر جهت که بنگریم، ارتقاء سطح معیشتی معلمان، امنیت شغلی و نیز تحقق مطالبات آنان با سرنوشت آتی دانش آموزان، اولیاء آنان و به طریق اولی با ارتقاء آموزش و فرهنگ کل جامعه مرتبط است. حال با توجه به مجموعه شرایط موجود، آنگونه که سخنگوی کانون صنفی معلمان گفته است، آنان تا تحقق مطالبات شان، راهی بجز پیشبرد اعتصاب و اعتراضات سراسری ندارند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، دفاع از مطالبات معلمان را وظیفه خود و همه نیروهای آگاه و مترقی جامعه می داند و بر این باور است که حمایت و همبستگی دیگر جنبش های اجتماعی و همچنین همراهی و همدلی دانش آموزان و اولیاء آنان با مطالبات فرهنگیان، تکیه گاه موثری برای پیشبرد اعتراضات و اعتصابات سراسری معلمان خواهد بود.

گسترده باد اتحاد و همبستگی معلمان

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۵ آذر ماه ۱۴۰۰ برابر با ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

بودجه‌ای که تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی را آشکار می‌سازد

لایحه بودجه ۱۴۰۱ قرار گرفته، افزایش دوساله سن بازنشستگی است". او همچنین در مورد پیامدهای اجتماعی این تصمیم‌گیری‌ها هشدار داد.

علی دهقان کیا رئیس تشکل دولتی "کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی تهران" نیز در این رابطه گفت: "ما با اصل موضوع مخالفیم ضمن اینکه دولت بهتر است بدهی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی خود را ابتدا پرداخت کند".

البته غارت سفره‌های خالی کارگران و زحمتکشان تنها به این مورد خلاصه نمی‌شود. بودجه در تمامی اجزاء آن علیه کارگران و زحمتکشان نوشته شده است. افزایش بسیار ناچیز حقوق‌ها آن‌هم در حالی که براساس آمارهای رسمی تورم بالای ۴۰ درصد و براساس واقعیات (بویژه تورم مواد خوراکی) حداقل دو برابر آن است، معنای دیگری جز دست کردن در جیب کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان حقوق‌بگیر جامعه ندارد. هم‌اکنون حداقل هزینه‌های یک خانوار به حساب مرکز آمار نزدیک یازده میلیون، کمیته دستمزد تشکل دولتی "خانه کارگر" ۱۲ میلیون و براساس برخی از برآوردهای مستقل ۱۷ میلیون و پانصد هزار تومان است، اما حداقل حقوق تعیین شده در بودجه تنها ۴ میلیون و پانصد هزار تومان است.

روزنامه‌های دولتی و قلم‌بدستان مزدور با چشم‌پوشی بر این واقعیات از افزایش عدالت در پرداخت حقوق‌ها به دلیل محدود کردن بالاترین حقوق به ۳۷ میلیون تومان قلم‌فرسایی کرده‌اند. این در حالی‌ست که در بودجه سال گذشته این مبلغ ۲۳ میلیون تومان بود و عجیب‌تر آن که در ذیل همان تبصره مربوط به حقوق‌ها آمده است که هر جا صلاح دیده شد می‌توان به برخی از افراد بالاتر از ۳۷ میلیون تومان پرداخت!!

جدا از آن‌که مانند تمام سال‌های گذشته هیچ چشم‌اندازی برای بهبود وضعیت آموزشی و درمانی، سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها و کاستن از بار مردم در این موارد وجود ندارد، بهای تمامی خدمات دولتی برای انجام امور مردم و یا دیگر نیازهای ضروری، همچون نرخ گاز و آب و غیره به روش‌های گوناگون افزایش یافته است.

افزایش مالیات و عوارض گمرکی (به دلیل محاسبه آن با دلار نیمایی) نیز در مناسبات سرمایه‌داری حاکم بر ایران در نهایت نتیجه‌ای جز افزایش تورم و آوار شدن بار آن بر دوش کارگران و زحمتکشان ندارد.

افزایش بی‌سابقه‌ی بار بحران اقتصادی رکود - تورمی و ورشکستگی مالی دولت در بودجه ۱۴۰۱ بر دوش کارگران و زحمتکشان در حالی‌ست که ارگان‌های سرکوب و دستگاه‌های تبلیغاتی و مذهبی رژیم با دست‌و‌پا‌زدی بودجه‌نویسان، سهم باز هم بیشتری از بودجه را تصاحب کرده‌اند.

یک نمونه بارز آن بودجه سپاه پاسداران است. بودجه سپاه پاسداران که با یک جهش ۵۸ درصدی از ۲۶ هزار و ۳۳۵ میلیارد تومان در بودجه سال ۹۹ به ۳۸ هزار و ۵۶۴ میلیارد تومان در بودجه ۱۴۰۰ رسیده بود، با یک جهش ۱۴۲ درصدی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ به ۹۲ هزار و ۸۸۳ میلیارد تومان رسید!!! بودجه ارتش نیز نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است.

بودجه نیروهای انتظامی نیز که در سال ۹۹ مبلغ ۱۷ هزار و ۴۴۴ میلیارد تومان بود و در بودجه ۱۴۰۰ به ۲۷ هزار و ۲۶۲ میلیارد تومان رسیده بود، در بودجه ۱۴۰۱ با یک جهش بزرگ به ۴۳ هزار و ۲۳۷ میلیارد تومان رسید.

همچنین در بودجه سال ۱۴۰۱ به بهانه‌ی "تقویت بنیه دفاعی" ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو نفت برای فروش به ارگان‌های نظامی رژیم اختصاص داده شده که سپاه پاسداران بیشترین سهم از این فروش را دارد.

براساس برآورد موسسه بین‌المللی مطالعات صلح استکهلم موسوم به "سپیری" که ۶ اردیبهشت منتشر شده بود، هزینه نظامی جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۰ با بیش از ۳۰ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۹ به ۱۵ میلیارد و ۸۲۵ میلیون دلار رسیده بود. آن هم در سالی که مردم ایران فقیرتر شده بودند. این را هم در نظر بگیریم که این برآورد تنها براساس آمارهای رسمی دولتی است و به طور واقعی هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از این است. تنها در یک نمونه برآوردها حاکی از کمک سالانه ۷۰۰ میلیون دلاری جمهوری اسلامی به حزب‌الله لبنان است. اگر در سال ۲۰۲۰ هزینه‌های نظامی ایران بیش از ۳۰ درصد افزایش داشته‌اند، طبیعی‌ست که با بودجه سال ۱۴۰۱ این افزایش هزینه‌های نظامی بیش از گذشته نیز باشد، پول‌هایی که سفره‌های مردم را کوچکتر و کوچکتر می‌کنند.

ناگفته نماند که وزارت کشور نیز برای

مقابله با اعتراضات خیابانی تحت عنوان "سیاستگذاری و نظارت بر استقرار نظم عمومی و امنیت داخلی" ۶۰۰ میلیارد تومان بودجه خواهد گرفت. همچنین در بودجه سال ۱۴۰۱ بخشی از بودجه تمامی وزارت‌خانه‌ها و دیگر نهادهای دولتی به بسیج، "پژوهش‌های دینی"، "اجرای مراسم دینی" و "تبیین و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی" اختصاص یافته است!! برای نمونه در بودجه وزارت ارشاد، ۲۱۰ میلیارد تومان برای حمایت از امور طلاب و روحانیون و ۱۸۶ میلیارد تومان برای بسیج محلات در نظر گرفته شده است. در بودجه وزارت علوم نیز ردیف‌هایی برای حمایت از بسیج اساتید، اجرای امور دینی، پژوهش‌های دینی و غیره لحاظ شده است.

برای اجرای طرح ضد زن "حمایت از خانواده و جوانی جمعیت" ۱۲ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که با ردیف‌هایی که در بودجه وزارتخانه‌های دیگر به این امر اختصاص داده شده، بودجه اجرای این طرح به بالای ۱۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد، این در حالی‌ست که در طول این سال‌ها هیچ‌گاه بودجه‌ای برای میلیون‌ها دانش‌آموز محروم از تحصیل که به دلیل فقر و نداشتن ابزار لازم برای شرکت در کلاس‌های مجازی ترک تحصیل کرده‌اند، در نظر گرفته نشده است.

در جزء جزء این بودجه شاهدیم که چگونه برای مزدوران و سرکوبگران رژیم ولخرجی شده است، رژیمی که بر این باور است که تنها با تکیه بر این مزدوران می‌تواند به بقای خود ادامه دهد. البته جدا از تفنگ‌بدستان، رژیم قلم‌بدستان و تبلیغات‌چی‌هایی نیز دارد که آن‌ها هم در بودجه ۱۴۰۱ فراموش نشده‌اند. از بودجه‌های حوزه‌های علمیه که در مجموع بیش از ۶۰ درصد افزایش داشته‌اند تا بودجه صداوسیما که باز حدود ۶۰ درصد افزایش داشته و سازمان تبلیغات اسلامی که بودجه آن ۷۵ درصد افزایش یافته و تا دیگر نهادهای مذهبی مفت‌خور و فاسد.

بودجه صدا و سیما بالای ۱۰ هزار میلیارد تومان است که از این مقدار ۵ هزار و ۲۸۹ هزار میلیارد تومان آن از بودجه عمومی دولت پرداخت می‌شود (در بودجه سال ۱۴۰۰ این مبلغ ۳ هزار و ۳۸۴ میلیارد تومان بود) و بقیه را صدا و سیما از طریق تبلیغات و آگهی تامین می‌کند.

مساله این است که تمامی این پول‌ها از جیب مردمی خرج می‌شود که به بهانه‌ی کاملاً دروغین تورم‌زا بودن افزایش دستمزد حقوق، بهانه‌ای که بی‌پایه بودن آن بر همگان آشکار است، به فقری بیشتر و گشندم‌تر محکوم شده‌اند.

بودجه‌ای که تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی را آشکار می‌سازد

اما این هنوز تمام ماجرا نیست. همان‌طور که در ابتدای این مقاله آمد، به دلیل نقش دولت در اقتصاد، بودجه تصویری از وضعیت اقتصادی سال پیش‌رو به ما می‌دهد. تصویری که لایحه بودجه ۱۴۰۱ به ما می‌دهد، تصویری بسیار تاریک است. ابتدا باید گفت که نداشتن کسری بودجه یک دروغ محض است، کاهش فروش اوراق قرضه یک دروغ محض دیگر. تنها نگاهی به ارقامی که در بودجه در ارتباط با درآمدهای نفتی و مالیات آمده موضوع را آشکار می‌کند.

در این لایحه حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد از محل فروش نفت و میعانات و ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از محل صادرات فرآورده‌های نفتی پیش‌بینی شده است. این درآمدها جدا از سهم صندوق توسعه ملی (فلک خامنه‌ای) و سهم شرکت ملی نفت است. طبیعی‌ست که مانند سال جاری در صورت ادامه تحریم‌ها این درآمدها قابل تحقق نیست و برای همین در لایحه بودجه به کابینه اجازه داده شده به میزانی که درآمدهای نفتی تحقق پیدا نکرد، اوراق قرضه عرضه کند. مثلاً اگر نیمی از این مبلغ تحقق پیدا نکرد، علاوه بر ۸۸ هزار میلیارد تومان فروش اوراق قرضه که در بودجه آمده، جمهوری اسلامی باید چیزی حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه به بازار عرضه کند!!

همین الان هم به دلیل عدم استقبال از اوراق قرضه دولتی، بانک‌ها موظف‌اند تا اوراق قرضه فروش نرفته را بخرند. اگر این معنای دیگری جز تشدید رکود، تورم و کسری بودجه ندارد، پس به چه معناست چیست؟!

در رابطه با درآمدهای مالیاتی نیز این موضوع کاملاً صادق است. در لایحه بودجه بیش از ۵۲۶ هزار میلیارد تومان درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده (سال ۱۴۰۰ این مبلغ ۲۴۷ هزار میلیارد تومان تعیین شده بود) که حتا به اصطلاح کارشناسان جمهوری اسلامی تحقق آن را بعید می‌دانند. عباس آرگون نایب رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران در همین رابطه می‌گوید: "تحقق این رقم بسیار خوشبینانه است، زیرا اینکه اولاً در اقتصاد کشور با رکود تورمی روبرو هستیم و دوماً زیرساخت‌های افزایش درآمدهای مالیاتی وجود ندارد!!".

حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و تعیین نرخ ۲۳ هزار تومان برای تسعیر دلار یکی دیگر از نکات مهم لایحه بودجه است که به رکود و تورم شدیداً دامن می‌زند. به گفته‌ی فرشاد مومنی یکی دیگر از این به اصطلاح اقتصاددانان جمهوری اسلامی تنها

همین مساله موجب افزایش ۷/۵ درصد نرخ تورم خواهد بود و البته در عمل باز بیشتر از آن خواهد بود. او لایحه بودجه را به شدت تورم‌زا و موجب افزایش رکود می‌داند. ریزش مداوم و روزانه بورس به‌رغم وعده‌های رئیسی تنها یکی از نشانه‌های تشدید رکود است.

بهای کالاها نیز روزانه در حال افزایش است، آنگاه وزیر اقتصاد کابینه با وقاحت از تلاش کابینه برای کنترل تورم می‌گوید و این‌که از سرعت افزایش بهای کالاها کاسته شده است!! آیا واقعا مضحک نیست؟! بهای برنج ایرانی به

کیلویی ۸۰ هزار تومان رسیده است. پدram سلطانی نایب رئیس اسبق اتاق بازرگانی در رابطه با لایحه بودجه ۱۴۰۱ در توییت خود نوشت: "بودجه ۱۴۰۱ در یک جمله: مردم و بنگاه‌ها را به چوب فلک مالیات و عوارض می‌بندیم، پولش را می‌دهیم به نهادهایی که تلاش کردند ما سر کار بیاییم". یکی از نکاتی که شاید کمتر دیده شود و آن‌هم نه در بودجه عمومی بلکه در بودجه شرکت‌های دولتی پنهان شده، ضرر ۳۵ هزار میلیارد تومانی بانک سپه است. علت آن ضرر هم ادغام بانک‌های ورشکسته نظامی در بانک سپه است که پیش از این ما در مقالات نشریه کار به آن پرداخته بودیم. ۳۵ هزار میلیارد تومان از جیب مردم این ضرر جبران می‌شود اما وقتی صحبت از حقوق معلمان، رتبه‌بندی و همسان‌سازی می‌شود، پولی در کار نیست. از تحصیل رایگان هم دیگر خبری نیست.

آنگاه وعده می‌دهند با افزایش یارانه‌ها وضعیت مردم بهتر می‌شود!! تجربه‌ای که مردم از یارانه احمدی‌نژاد و یارانه معیشتی روحانی دارند و می‌دانند هدف از این کار تنها کلاه گذاشتن بر سر مردم است. اختصاص ۱۶۰ هزار میلیارد تومان برای اشتغال‌زایی نیز یکی دیگر از موارد آشکار رانتی‌است که فرار است به مزدوران و عوامل رژیم تحت عنوان اشتغال‌زایی داده شود تا خون مردم را بیشتر بمکند.

داشتن یک زندگی مرفه و انسانی حق تمامی مردم است. حق کار، حق مسکن، تامین معیشت و دیگر نیازهای انسان‌ها حق تمامی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکش‌ان جامعه است. این حق را جمهوری اسلامی از مردم ایران گرفته است و روز به روز فشارها را با انواع حیل‌ها و دروغ‌ها بر این مردم افزایش می‌دهد. بودجه سال ۱۴۰۱ یک نمونه آشکار از بودجه‌ای رانتی در خدمت طبقه سرمایه‌دار و مزدوران آن‌هاست و تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است این چرخه به نفع سرمایه‌داران و مزدوران فاسد حکومتی و به ضرر کارگران و زحمتکش‌ان خواهد چرخید.

کمک های مالی

سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمپسا
۲۰۰ کرون	خروش (دسامبر)

سوئد

زنده باد سوسیالیسم	
و زنده باد آزادی	۲۰۰ کرون

آمریکا

لس‌آنجلس	۲۰ دلار
شیکاگو	۲۰ دلار
اکلاهوما سیتی	۲۰ دلار
نیویورک	۲۰ دلار
سیاتل	۲۰ دلار

ایران

آبان ادامه دارد	۱ میلیون تومان
-----------------	----------------

آلمان

رزم رقفا	
در کنفرانس سازمان پاینده	۱۰۰ یورو



پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بودجه‌ای که تشدید بحران اقتصادی رکود – تورمی را آشکار می‌سازد

رپوده است. بودجه سال ۱۴۰۱ که توسط کابینه رئیسی تهیه و به تصویب رسیده است، آن‌چنان علیه کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه و به نفع سرمایه‌داران و نیروهای وابسته به حکومت تنظیم شده که حتی صدای بسیاری از حامیان جیره‌خوار حکومت را نیز درآورده است. برای نمونه در بودجه مصوب کابینه رئیسی، سنوات خدمت مورد قبول برای بازنشستگی در تمام صندوق‌های بازنشستگی ۲ سال افزایش

یافت و حتی در مورد معلمان سن ۶۵ سال برای بازنشستگی آن‌ها تعیین گردید. آش آن‌قدر شور شده است که حتی زنگنه رئیس "کمیته اصلاح ساختار بودجه" مجلس اسلامی در گفتگو با خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه پاسداران می‌گوید: " این سند بودجه کشور است و قرار نیست تمام قوانین بالادستی و میانی کشور در آن تغییر پیدا کند، از جمله این احکام که در ۸ صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 950 December 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .

FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical/ عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی